

# مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهپایان

سال شانزدهم، شماره ۶۱، زمستان ۱۴۰۱  
صفحه ۸۵ تا ۱۰۲

## جایگاه مسئولیت مدنی در بازدارندگی اقتصادی در ج.ا.ایران

**سهراب سیفی** / دانشجوی دکترای تخصصی، گروه حقوق خصوصی، واحدامارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی،  
amarat متحده عربی sohrabseify20@gmail.com  
**مهدی مهمی** / استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
(نویسنده مسئول) mmeyhamy@gmail.com

**حسین مهرپور** / استاد، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. mehropour@csr.ir  
**چکیده**

هدف مقاله حاضر بررسی جایگاه و نقش مسئولیت مدنی، در بازدارندگی اقتصادی در ایران می‌باشد. مسئولیت مدنی هم در ارتباط با زیان‌دیده، هم در ارتباط با واردکننده زیان و هم در ارتباط با جامعه، اهداف و کارکردهای خاصی دارد. مسئولیت مدنی در بازدارندگی واردکنندگان زیان و پیشگیری از وقوع حوادث در آینده مؤثر است. با توجه به ماهیت واکنشی و پسینی مسئولیت مدنی و محدودیت‌های آن در تحقق بازدارندگی و نیز اهمیت اقدامات کنشی و پیشگیرانه، به خصوص در رابطه با حوادث فوق‌العاده خطرناک و حوادثی که زیان‌دیدگان بسیاری دارد، که سبب شکل گیری اختلاف نظرهای مختلفی شده است. بر همین اساس سؤال اصلی تحقیق این است که، جایگاه مسئولیت مدنی در بازدارندگی اقتصادی چگونه قابل تبیین است؟ فرضیه اصلی مقاله این است که، مسئولیت مدنی می‌تواند نقش مهمی در تنبیه واردکننده زیان و بازداشتن وی از ارتکاب مجدد فعل زیانبار در آینده داشته باشد و حس انتقام جویی زیان‌دیده را نیز فرو نشاند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که، مقررات تعبیه شده در روابط بین افراد و به تبع آن قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی در جهت حفاظت از نظم عمومی در جامعه و روابط افراد، یکی از عواملی است که می‌تواند باعث کاهش ایراد خسارت به افراد شود. مسئولیت مدنی، با وادار ساختن افراد به کاهش هزینه‌های حوادث و پیشگیری از این اتفاقات و ایراد خسارات به افراد در تعاملات خود، نقش مهمی در بازدارندگی اقتصادی دارد. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است که از طریق مطالعه منابع اسنادی و کتابخانه‌ای نسبت به جمع آوری اطلاعات اقدام نموده است.

**کلیدواژه:** مسئولیت مدنی، خسارت، پیشگیری، بازدارندگی اقتصادی.

تاریخ تأیید ۱۴۰۱/۰۹/۲۵

تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۶/۳۰

## مقدمه

در دنیای امروز، هیچ‌گونه فعالیت اجتماعی را نمی‌توان یافت که مسئولیت مدنی در آن نقش نداشته باشد. هرگاه بر اثر کردار و رفتار فرد یا افرادی دیگر به فرد یا افراد جامعه خسارتی وارد آید، مسئولیت مدنی تحقق یافته است. لازم به توضیح است که یک عامل زیان‌آور یا می‌تواند موجب زیان یک جامعه باشد (مسئولیت جزایی) یا فقط سبب زیان به افراد جامعه (مسئولیت مدنی) و یا هم موجب زیان به فرد و هم باعث خسارت به جامعه گردد که در آن صورت مسئولیت کیفری و مدنی توأمان تحقق یافته است. به طور مثال، مسئولیت تصدی حمل و نقل در مقابل صاحب کالا، در صورتی که ورود خسارت به طور عمدی نباشد، مسئولیت از نوع مدنی به شمار می‌رود. در اهمیت مبنای مسئولیت مدنی مبالغه‌آمیز نیست که اگر بگوییم که مبنای مسئولیت مدنی مهم‌ترین مسئله در حقوق خصوصی است. اثبات ارکان مسئولیت مدنی هم یکی از مباحث مهم در دعوی مسئولیت مدنی است که اصولاً اثبات ارکان مسئولیت مدنی بر عهده زیان دیده است و لذا در مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر، او باید ورود ضرر و تقصیر خواننده و رابطه سببیت بین این دو را به اثبات رساند. اهمیت مسئولیت مدنی منجر به پیدایش نظریه‌های مختلفی در این حوزه شده است. از نظریه‌های مطرح، یکی نظریه تقصیر است. درباره مفهوم تقصیر نیز، روش تجربی دادگاه‌ها و اندیشمندان حقوقی آشکار می‌کند که تقصیر چهره شخصی ندارد و در کار قابل سرزنش اخلاقی خلاصه نمی‌شود. مقصر کسی نیست که به کار غیراخلاقی دست می‌زند؛ کسی است که به کار مفید اجتماعی نمی‌پردازد و فعالیت اقتصادی او زیان‌بار است. برپایه این مبدأ فکری، هر خسارتی جبران‌پذیر است، مگر این که ناشی از رفتاری باشد که هدف آن در دید نظام حقوقی، حفظ منافع ارزشمندتر از آن ضرر باشد. پایه این داوری، اصل تقصیر است؛ بدین معنی که هر رفتاری که سبب خسارت عمدی به دیگری بشود، قابل نکوش است؛ مگر اینکه سایر منافع که به بار می‌آورد به ضرر وارد آمده چیره باشد و آن را توجیه کند. پس، هنگامی که رفتار قابل نکوهش سبب ورود خسارت به دیگران می‌شود، مرتکب آن باید خسارت را جبران کند (خادم رضوی و نوعی، ۱۳۹۴: ۸۲-۸۵).

دیگر نظریه مسئولیت مدنی، نظریه تضمین حق است. مسئله تضمین بیشتر در ایفاء تعهدات در حقوق تجارت داخلی و بین‌المللی اهمیت بسزا پیدا می‌کند. خصوصاً در بازرگانی بین‌المللی که حجم کلان تولید و خرید و فروش کالا و اجرای طرحهای معظم و پیچیده مستلزم همکاری شرکت‌ها و مؤسسات مختلف تولید و خدماتی است که در کشورهای دور و نزدیک

وجود یافته‌اند. کشورها برای تأمین اعتماد و اطمینان خود یا جلب نظر مساعد طرف معامله، نیاز به تضمین کافی دارند و به همین منظور نیز پدیده‌های خاص و ابزارهای مختلف جهت حصول این اعتماد بوجود آمده است (موسساتیان، ۱۳۷۶).

برای تحقق مسئولیت مدنی، وجود سه عنصر ضرر، فعل زیان‌بار و رابطه سببیت نیز ضرورت دارد. در این خصوص، یکی از راه‌های گسترش دامنه مسئولیت مدنی یافتن مبنایی علمی برای این شکل از مسئولیت‌هاست؛ مبنایی که با حقوق مدرن مطابقت داشته و از طرفی، مبتنی بر مبنای فقهی و نظریات پذیرفته شده از سوی فقها و حقوقدانان داخلی باشد، زیرا قانون بدون دارا بودن مبنای علمی، دوام و بدون سازگاری با عرف مقبولیت عمومی ندارد. درخصوص مبنای تقصیر در مسئولیت مدنی دولت باید گفت نظریه مذکور که اولین بار در کشور فرانسه و از سوی دادگاه حل اختلاف یا تعارضات این کشور عنوان شده است دلیلی که می‌تواند مسئولیت جبران خسارت را توجیه نماید، احراز تقصیر و رابطه علیت بین تقصیر شخص و ضرری است که به زیان‌دیده وارد شده است.

اما بحث مهم در خصوص مسئولیت مدنی، هدف و اهدافی است که مسئولیت مدنی در پی آن است. در فلسفه حقوق نیز شناخت هدف، اهمیت به سزایی دارد و هر نوع نگرش هوشمندانه نسبت به فلسفه حقوق باید به هدف آن نیز توجه کند تا بتواند علم حقوق را از این دیدگاه ارزیابی کند (ویلیامز، ۲۰۱۰: ۱۳۷).

در حقوق اسلام نیز از دیرباز به مسئله اهداف و مقاصد شریعت توجه شده و نظام حقوق اسلام نظامی هدفمند دانسته شده است؛ چنانکه غزالی مقاصد شارع را امور پنج‌گانه حفظ دین، جان، خرد، نسل و ثروت انسان می‌داند (غزالی، ۱۴۱۰ ه، ج ۱: ۲۸۶). شاطبی نیز آن را به اهداف اصلی و تبعی تقسیم کرده است (شاطبی، ۱۴۱۰ ه: ۳۹۰). گروه دیگری نیز به آن توجه کرده‌اند. می‌دانیم که بین هدف و مبنای حقوق رابطه تنگاتنگی وجود دارد و شناختن مبنای حقوق، جز با تشخیص هدف آن ممکن نیست. از سوی دیگر پاسخ به این پرسش که حقوق برای چه هدفی به وجود آمده، وابسته به این سؤال است که حقوق چیست و بر چه مبنایی استوار است (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۶۴).

در زمینه مسئولیت مدنی نیز چنین رابطه‌ای وجود دارد و نوع نگرش نسبت به مبنای مسئولیت مدنی نقش بسزایی در تعیین ماهیت هدف و کارکرد آن دارد و گاهی جستجوی هدفی خاص باعث شکل‌گیری نگرشی خاص نسبت به مبنای مسئولیت مدنی است. حتی

بسیاری از نظریه پردازان مسئولیت مدنی معتقدند بدون مشخص نمودن هدف‌های مسئولیت مدنی تعیین مبنای آن ممکن نیست (بادینی، ۱۳۸۳: ۵۷).

با وجود این، غالباً بین مبنای مسئولیت مدنی با هدف آن اختلاط به عمل آمده است. اما، جدایی آن دو ترجیح دارد. مبنای مسئولیت مدنی به این پرسش پاسخ می‌دهد که چه نوع ملاحظات اخلاقی و فلسفی باعث می‌شود تا شخصی از لحاظ مدنی در مقابل دیگری مسئول شناخته شود در حالی که در هدف مسئولیت مدنی بحث بر سر این است که این نوع مسئولیت در عمل چه نیازها و چه هدف‌هایی را برآورده می‌سازد. یکی از این اهداف، بازدارندگی است که در زندگی جمعی کنونی، به عنوان یکی ارزش تلقی می‌گردد. بر این اساس هدف مقاله حاضر، بررسی جایگاه مسئولیت مدنی در امر بازدارندگی است. سئوالی که در اینجا پیش می‌آید این است که جایگاه مسئولیت مدنی در بازدارندگی اقتصادی، چگونه است؟ این مقاله تلاش دارد تا با روش تحقیق کیفی - از نوع توصیفی تحلیلی، نشان دهد که مسئولیت مدنی با تکیه بر کارکردهای خود، می‌تواند بر بازدارندگی اقتصادی تاثیر گذار باشد.

## ۲- چارچوب نظری

مسئولیت مدنی، مفهومی بین رشته‌ای است که در جامعه شناسی، اقتصاد، حقوق و سایر حوزه‌های اجتماعی کاربرد دارد. برخی به مسئولیت مدنی، به عنوان وسیله و ابزاری جهت دستیابی به اهدافی که از نظر اجتماعی مستقلاً قابل توجه و مطلوب است و مسئولیت مدنی اعتبار خود را از آن کسب می‌نماید، نگریسته می‌شود. این هدفها اصولاً کارایی اقتصادی جبران زیان‌های وارده، توزیع عادلانه خطرها و هزینه‌ها در بین کل اعضای جامعه و بازداشتن افراد از در پیش گرفتن رفتار غیر اجتماعی و زیانبار در آینده و.. می‌باشند.

از دیدگاه ابزارگرایی اقتصادی، مسئولیت مدنی تنها جایگزین بازار و قراردادهای بوده و ابزاری جهت تحقق سیاست اقتصادی تلقی می‌گردد؛ در مقابل، ابزارگرایان اخلاقی مسئولیت مدنی را نه جایگزین بازار و قرارداد، بلکه وسیله‌ای جهت دستیابی به اهداف و آرمان‌های اجتماعی و سیاسی یا فلسفی خاص غیر از کارایی (اقتصادی)، از جمله جبران خسارت زیاندیدگان، بازداشتن اشخاص از در پیش گرفتن رفتار غیراجتماعی، تحقق عدالت توزیعی، تحقق عدالت ماهوی و حمایت از حقوق زنان و اقلیت‌ها تلقی می‌نمایند (کلمن، ۲۰۰۲: ۲۰۳-۲۰۴).

ابزارگرایان اصول و قواعد مسئولیت مدنی، را بر طبق هدفی که خود در نظر دارند و احتمال دارد آرمانهای اجتماعی سیاسی و فلسفی آنان، باشد توجیه می‌نمایند و از قواعد و اصولی که این هدف را برآورده نسازد، انتقاد می‌نمایند (کین، ۲۰۰۷، ۲۵).

از دیدگاه آنان، مسئولیت مدنی، تا آنجا اهمیت دارد که این اهداف را برآورده نمایند، ولی اگر در دسترسی به آن ناکام ماند، بایستی تغییر داده شود یا به کلی برچیده شود. مثلاً در فرضی که ممانعت از حوادث و جبران خسارت زیان‌دیدگان، صرف نظر از مسئولیت مدنی از نظر اجتماعی و سیاسی مطلوب باشد، در حالتی که معلوم شود مسئولیت مدنی وسیله مناسبی جهت دستیابی به این اهداف نیست، بایستی سازوکار مناسب دیگری جایگزین آن شود. بنابراین این مقصود است که وجود یا عدم وجود مسئولیت مدنی و محتوای ماهوی و شکلی آن را تعیین می‌کند (کلمن، ۲۰۰۲: ۲۰۰).

این دیدگاه مبتنی بر چند فرض است. مسئولیت مدنی، رشته مستقلی از دانش نبوده و درک آن مستلزم مطالعه علوم دیگر از جمله اقتصاد نظریه، سیاسی فلسفه اخلاق، جامعه‌شناسی و تاریخ است و نقش آن فقط جنبه امری دادن به مطالعات غیرحقوقی است؛ حقوق (از جمله مسئولیت مدنی و سیاست از هم غیر قابل تفکیک هستند، چون اهدافی که از نظر اجتماعی مطلوب است، گزینش می‌شوند و جنبه و اعتبار حقوقی آنها مدنظر نیست و نیز، هیچ اختلافی میان حقوق عمومی و حقوق خصوصی وجود ندارد، چون این مقامات قانونی کشور هستند که اهداف مطلوب اجتماعی را که این رشته از حقوق بایستی برآورده سازد، مشخص می‌سازند (وینریب، ۲۰۰۱: ۴).

از همه مهم‌تر از دیدگاه اصولی، اختلافی میان زبان‌های ناشی از عوامل انسانی و زبان‌های ناشی از عوامل طبیعی وجود نداشته و عموم افراد بایستی به نحو مناسبی در برابر هرگونه زبانی، حمایت گردند (شوگرمن، ۲۰۱۰: ۱۲۷). در این دیدگاه‌ها، به مسئولیت مدنی به عنوان مجموعه‌ای از اصول و هنجارهای اخلاقی مسئولیت، شخصی که در تعامل با شکل رفتار اشخاص یا هم است، نگریسته می‌شود و سعی بر آن است تا مسئولیت مدنی از طریق مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی مثل تقصیر، عدالت، حق آزادی، مساوات و قرارداد اجتماعی توجیه گردد. برابر این دیدگاه‌ها، عدالت میان طرفین ایجاب نموده تا شخص خاصی به عنوان واردکننده خسارت در مقابل شخص دیگری به عنوان زیان‌دیده، به این علت که حقوق وی را نادیده گرفته شده یا از نظر اخلاقی قابل سرزنش است یا برابر با ملاک‌های اجتماعی تقصیر رفتار

نموده است یا محیط خطرناکی محقق ساخته یا ضرر غیر متقابل وارد کرده و یا عامل ورود ضرر بوده است و ..... مسئول تلقی گردد.

اما در دیدگاه‌های مرسوم این ساختار مسئولیت مدنی است که هدف این رشته از حقوق را تعیین می‌نماید، بر این اساس بایستی از بعد داخلی به آن توجه داشت، زمانی که خسارتی وارد می‌گردد، آنچه بیان می‌شود فقط مشکل زیان‌دیده و واردکننده خسارت است و تکلیف نظام مسئولیت مدنی این است که ضمانت اجرای حقوق و تکالیفی را که آن دو در مقابل هم داشته، مهیا نماید و از مسئولیت مدنی نمی‌توان به عنوان وسیله‌ای جهت دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی استفاده نمود.

پس برخلاف ابزارگرایان که از منظر حقوق عمومی به مسئولیت مدنی توجه دارند، در این نظریه‌ها از منظر حقوق خصوصی به آن نگریسته می‌گردد. اگرچه، وابسته نبودن مسئولیت مدنی به هدف و کارکردی خاص و استقلال آن به عنوان نظامی اخلاقی به این معنا نبوده که هیچ هدف و کارکردی دنبال نمی‌کند. مثلاً، از دیدگاه فلسفه ارسطو و کانت آزادی برابر افراد و عدالت ایجاب می‌نماید تا واردکننده خسارت در برابر زیان‌دیده مسئول شناخته شود. این مسئولیت در عمل هم ضرر زیان‌دیده را جبران می‌سازد؛ هم واردکننده زیان را به احتیاط بیشتر در آینده مجبور می‌کند، هم سببی جهت مجازات و تنبیه وی خواهد بود؛ هم بازدارندگی عام دارد و درس عبرتی برای دیگر افراد است و هم سبب برقراری صلح و آرامش و امنیت در اجتماع می‌گردد، ولی برخلاف دیدگاه‌های ابزارگرا، مسئولیت مدنی اعتبار خویش را از این اهداف کسب نمی‌نماید؛ بر این اساس در فرضی که مشخص گردد، ابزار خوبی جهت رسیدن به آن نیست و برای مثال نقش آن چنانی در بازدارندگی ندارد و شمار بسیاری از زیان‌دیدگان از طریق مسئولیت مدنی موفق به دریافت زیان نمی‌شوند، این مهم تأثیری در اعتبار و ارزش مسئولیت مدنی نخواهد داشت. به بیانی دیگر مسئولیت مدنی احتمال دارد، اهدافی را که از نظر اجتماعی مطلوب است، محقق کند، ولی اعتبار خویش را از این اهداف کسب نمی‌کند (پری، ۲۰۰۱: ۷۵).

اگرچه برخی بر این نظر هستند که مسئولیت مدنی هدفی خاص ندارد، بلکه بایستی آن را فقط از داخل و نه به عنوان نظامی که در بردارنده اهداف خارجی است، درک نمود. به نظر آنان در حالتی که مجبور باشیم حقوق خصوصی از جمله مسئولیت مدنی را از جنبه هدف مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، فقط چیزی که می‌توان بیان نمود این است که هدف حقوق خصوصی باید حقوق خصوصی باشد و لاغیر (بادینی، ۱۳۸۳: ۵۹-۶۰).

### ۳- نظریات مسئولیت مدنی در حقوق ایران

#### ۳-۱- نظریه تقصیر

نظریه تقصیر که رکن اصلی حقوق مسئولیت مدنی در ایران را تشکیل می‌دهد، از جمله کهن‌ترین نظریه‌هایی است که در حقوق اروپا به چشم می‌خورد و فی‌الواقع دستاورد رم باستان می‌باشد که باید آن را خاستگاه اصلی حقوق اروپا دانست (سعادت مصطفوی و پایکاری، ۱۳۹۶: ۱۶۲).

فاعل زیان‌رسان را باید محور نظریه تقصیر به شمار آورد؛ در نتیجه شخص زیان‌دیده کسی است که باید اثبات نماید به علت تقصیر از جانب زیان‌رسان، وی دستخوش ضرر و زیان گردیده است. در نظریه مبتنی بر تقصیر، تفاوت بنیادین بین خطا کار و غیرخطای وجود دارد که نخستین گام در راستای به رسمیت شناختن عدالت است (حسینی‌نژاد، ۱۳۷۰: ۱۹).

در نظام حقوق هند، تقصیر، مانند کامن‌لا، مفهومی رایج است که در مقوله خطای مدنی یا همان شبه‌جرم (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶: ۳۷۴) قرار می‌گیرد و می‌توان آن را اساس مسئولیت مدنی محسوب نمود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۸۲).

این در حالی است که عده‌ای دیگر، این نظر را مورد انتقاد قرار داده و در عوض بر «قابلیت استناد خسارات به رفتار خوانده» انگشت تأکید می‌گذارند (پارساپور و حسینی، ۱۳۹۹: ۶).

در حقوق داخلی ایران، این ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی است که به هنگام قرائت و تفسیر، مسئولیت مبتنی بر تقصیر را به عنوان یک رکن برای نظام حقوقی کشور به اذهان متبادر می‌سازد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۶۳).

در هر صورت، علی‌رغم وجود نقاط افتراق، در کل می‌توان چنین گفت که معیارها و پارامترهای تشخیص تحقق یا عدم تحقق مسئولیت مبتنی بر تقصیر در هر دو نظام حقوقی ایران و هند یکسان می‌باشد؛ چون در نظام حقوقی هند، قضات در برخورد با شرایط خاص حاکم بر پرونده‌هایی که در دست دارند، رفتار و افعال متعارف انسان‌ها را از نظر دور نمی‌دارند (Miller and Cross, 2001, 253).

در نظام حقوقی ایران، مراد از کلمه تقصیر، تفریط و تعدی است. تفریط یعنی ترک رفتاری که فعل (عمل) آن ضروری است؛ در حالی که تعدی دال بر ارتکاب فعلی است که انجام ندادن یا ترک آن ضروری و لازم است. علاوه بر این، موارد دیگری نیز در مسئولیت مدنی ایران وجود دارند که می‌توانند بر تقصیر دلالت نمایند:

-تعدی از تعهد صورت گرفته یا عدم اجرای مفاد مندرج در آن یا عدم رعایت اصول حاکم بر آن؛

-تجاوز و تعدی از رفتار و فعل عادی و طبیعی مرتکب؛

-فریب سایرین در اعتمادی که به شخص داشته‌اند؛

-تعدی نسبت به رفتار و کنشی که لازم‌هاش، پشتیبانی از حقوق سایرین است؛

-تجاوز از هنجارها و ارزش‌های موجود در اجتماع.

پس با در نظر داشتن ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، عده کثیری از حقوقدانان بر این اعتقاد شده‌اند که تقصیر را باید رکن مسئولیت مدنی دانست. با وجود این، مواردی وجود دارد که بر طبق آنها، تقصیر را نمی‌توان واجد چنین جایگاهی دانست؛ چون اساساً در حیطه مسئولیت مدنی مطرح نبوده و کاربرد آن صرفاً به وسیله اثبات موضوع محدود می‌شود و نه ایفای نقش مهم در حوزه تعهدات و مسئولیت مدنی. از این منظر می‌توان چنین اظهار داشت که برای مثال استناد به ضرورت جبران خسارت در فقه لزوماً به معنای تأیید اصل تقصیر در مقام رکن رکن مسئولیت مدنی و ضمانت نیست و فی‌الواقع فقه در این زمینه بین مسئولیت ناشی از قرارداد و مسئولیت خارج از قرارداد تفکیک روشنی قائل نشده است. این در حالی است که در نظام قضایی هند که تحت تأثیر کامن‌لا می‌باشد، به موارد قراردادی توجه خاصی مبذول شده است؛ اما در حقوق داخلی وجود قرارداد و نقض آن صرفاً اثبات قابلیت استناد خسارات به رفتار مرتکب را تسهیل می‌کند و در مصادیق غیرقراردادی نیز توجه به مفاد مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ و ۹۵۳ قانون مدنی راهگشا خواهد بود (پارساپور و حسینی، ۱۳۹۹: ۹).

تاکید مسئولیت مدنی در حقوق ایران مبنی بر این که مسئولیت انسان را باید در جایی دیگر جستجو نمود که خطایی رخ داده است، تأثیرپذیری این نظام حقوقی را از مبانی مسئولیت کیفری و نیز اخلاقی‌گرایی در معنای آرمانی کلمه نشان می‌دهد. اینجاست که پای اصل دیگری هم به میان می‌آید و آن اصل براءت است که اثبات تقصیر از جانب مدعی‌علیه توسط شخص زیان‌دیده را واجب می‌داند.

با توجه به اختلاف نظر در زمینه قواعد کلی مسئولیت مدنی در ایران، می‌توان چنین گفت که عده‌ای قائل به محوریت نظریه مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر در این نظام حقوقی می‌باشند و در عوض عده‌ای دیگر، با اذعان به همین امر، بر تفاوت بر سر پاره‌ای از مضامین، موارد و مصادیق حقوقی تأکید دارند.



بر طبق دیدگاه نخست، اگر شخص در صورتی مسئول زیان و ضرر نشأت گرفته از فعل خویش است که ارتکاب تقصیر بر عهده او باشد. البته این امر «به معنای انحصار تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت و انکار وجود مسئولیت بدون تقصیر نیست» (خادم رضوی و نوعی، ۱۳۹۴: ۶).

با این همه، مسئولیت بدون تقصیر همچنان مبنای مسئولیت مدنی است و در نتیجه مسئولیت بدون تقصیر و مصادیق آن را باید استثنا به شمار آورد و نه قاعده (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۲۱). از این منظر، مبنای تقصیر که در ماده ۱ قانون مدنی ایران تجلی پیدا کرده است را باید قاعده عام در زمینه مسئولیت مدنی به شمار آورد و اگر در این بین موارد و مصادیق دیگری در مقام مسئولیت بدون تقصیر در نظام حقوقی ایران وجود داشته باشند، بر قاعده مذکور سایه نمی‌اندازند.

دیدگاه دوم به نحوی دیگر بر اصل تقصیر در مقام اساس مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران تأکید می‌کنند و نسخ مواد ۳۲۸، ۳۳۱ و ۳۳۲ را در این راستا ارزیابی می‌کنند. بنابراین تفکیک بین اتلاف و تسبیب مایه‌زائی ندارد، چرا که اساس همان تقصیر می‌باشد.

دیدگاه سوم، فعل زیان‌بار را به شخص منسوب می‌کند و در این بین مهم نیست که شخص (با همان فاعل فعل زیان‌بار)، مرتکب تقصیر یا غفلت یا بی‌احتیاطی شده باشد. به عبارت دیگر، کارکرد اصلی تقصیر را باید در احراز موارد حقوقی رخ داده در نظر گرفت، و گرنه ضرورتی در میان نیست و حتی شاید بهتر این باشد که بر اصل رابطه سببی دست گذاشت و تقصیر را این گونه تفسیر نمود. می‌توان گفت که نظام حقوقی ایران، برخلاف فقه، تقصیرمحور است. با وجود این، در بررسی نسخ یا عدم نسخ موادی از قانون مدنی توسط قانون مسئولیت مدنی باید گفت از آنجا که حکم عام لاحق را نمی‌توان ناسخ حکم خاص سابق دانست، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مواد مذکور در قانون مدنی را نسخ نمی‌کند، بلکه آنها را تخصیص می‌زند. علاوه بر این عدالت اقتضا دارد که مسئولیت صرفاً مبتنی بر تقصیر نباشد و گاه اشخاصی که مقصر نیستند نیز مسئول شناخته شوند (خادم رضوی و نوعی، ۱۳۹۴: ۷).

موارد عدیده‌ای وجود دارند که در آنها، اصل مسئولیت مدنی در نظام حقوقی هند بر قابلیت استناد خسارت به افراد مسئول در این زمینه استوار شده است و در این زمینه، تقصیر این افراد جایگاه و اهمیت خاصی پیدا می‌کند. اما برای تحقق مسئولیت مبتنی مستلزم تحقق چهار شرط است:

-وظیفه و مسئولیتی متوجه فرد مرتکب باشد؛

-فرد مرتکب، وظیفه و مسئولیت مورد نظر را نقض کرده باشد یا به عبارت بهتر، مرتکب تقصیر باشد؛

-از نقطه نظر حقوقی، فرد زیان دیده متحمل ضرر و زیان قابل مطالبه باشد.

-وجود رابطه علی (سببیت) میان نقض مسئولیت و وظیفه از جانب فرد مرتکب و زیان رسیدن و آسیب دیدن به فرد زیان دیده.

پس وظیفه و مسئولیت مورد نظر، با وجود منشأ و خاستگاه قراردادی یا خارج از قرارداد، به یکسان توجه قانونگذار را به خود جلب می کند. در غیر این صورت، این عرف است که به معیاری برای سنجش تقصیر مربوطه تبدیل می شود و در نتیجه خلاء ناشی از فقدان قرارداد را جبران می نماید. عرف در این زمینه اصل تصرف را نیز در بر می گیرد. باید و نباید خود را بدان تحمیل می نماید. برای مثال، در صورت تصرف و مالکیت نسبت به اموال طبیعی مانند حیوانات و غیره، بایستی که در این زمینه منطبق بر تصرف نامبرده وجود داشته باشد؛ به عبارت دیگر، باید دلیلی منطقی دال بر این که اموال مزبور به تصرف دیگران درآمده اند، در میان باشد و در غیر این صورت، وضعی به معنی ارتکاب به تقصیر نیست. این در حالی است که تصنعی بودن اموال نامبرده مشمول این قاعده نمی شود (پارساپور و حسینی، ۱۳۹۹: ۷).

### ۲-۳- نظریه مسئولیت محض

در مسئولیت محض، اثبات زیان ناشی از بی احتیاطی مابه ازایی ندارد و به عبارت دیگر، قانون به دنبال سبب بروز زیان نیست و در نتیجه اصولی مانند تقصیر یا حسن نیت نیز از اهمیتی ثانویه برخوردارند. در دعوایی که بر اساس مسئولیت محض مطرح گردیده باشد، صرفاً اثبات قوه قاهره یا موارد مصرح توسط قانون است که می تواند منجر به رهایی خواننده از مسئولیت مدنی گردد (پارساپور و حسینی، ۱۳۹۹: ۱۱).

در نظام حقوقی هند، مسئولیت محض به صورت جداگانه و همپا با نظریه مسئولیت مبتنی بر تقصیر قید و بدان توجه شده است. با وجود این، با در نظر گرفتن بعضی از معیارهای مراقبتی که دادگاه از خواننده انتظار برآورده کرد نشان را دارد، گاهی اوقات قائل شدن به تفاوت بین این دو قسم مسئولیت سخت و ناممکن به نظر می رسد. به عبارت دیگر، اگر معیارهای نامبرده را افزایش دهیم، دیگر نیازی نیست که خواهان به اثبات تقصیر بپردازد و علاوه بر آن، اثبات عدم تقصیر از جانب فرد خواننده نیز عملاً سخت می گردد و در واقع به این می ماند که مسئولیت مبتنی بر تقصیر به مسئولیت محض بدل شده باشد. ضمناً در این جا، تمایز بین مسئولیت مبتنی بر قرارداد و مسئولیت غیر قراردادی نیز از درجه اعتبار ساقط است. آیا می توان

چنین نتیجه گرفت که مسئولیت محض فاقد یک اساس استوار و مستحکم در مسئولیت مدنی نیست؟ ظاهراً پاسخ به این سؤال، مثبت است؛ چون مصادیق مسئولیت محض به ما می‌گویند که این، درجه اثبات یا عدم اثبات دعوا است که اهمیت دارد. به عبارت دیگر، خواهان با اقامه دعوی در زمینه زیان وارده به وی، پذیرش مسئولیت خوانده را به وی یادآوری می‌نماید و از این به بعد خوانده وظیفه دارد تا به منظور سلب مسئولیت از خود، به اقامه دلیل، توسل به فورس مازور یا سایر موارد قانونی تصریح شده روی آورد.

اگرچه، در صورت اثبات استناد به فعل شخص ثالث در زیان وارده به خواهان، این فرض شکل می‌گیرد که شخص خوانده انتخاب خوب و مناسبی در دعوی اقامه شده نبوده است و بنابراین مسئولیت مدنی را باید به طرفیت ثالث (پارساپور و حسینی، ۱۳۹۹: ۱۳) محول نمود، آن هم با توانایی استناد زیان وارده که از رفتار و فعل وی ناشی شده است. اگر چنین موردی پیش بیاید، پس مسئولیت مدنی فاقد اساس مستقلی خواهد بود.

در حقوق هند، با توجه به تأثیر از کامن لا، مسئولیت محض در موارد نقض قرارداد متبلور می‌شود؛ چون این امر به معنی تخطی شخص امین از آن چیزی است که در قرارداد وی با مالک ذکر گردیده است. به عبارت دیگر، در قرارداد انحراف رخ داده است. در این صورت، مسئولیت محض در قبال زیان وارده به اموالی که برای مثال موضوع امان هستند به وجود خواهد آمد، به استثنای مواردی که پای فورس مازور در میان باشد. مثال غضب، چه در چارچوب قرارداد چه خارج از قرارداد، مثال خوبی برای نشان دادن تحقق مسئولیت محض در نظام حقوقی هند و کامن لا می‌باشد (Clarke and Kohler, 2005: 561).

در نظام‌های حقوقی مذکور، غضب زمانی رخ می‌دهد که مقررات و قواعد قانونی نقض گردیده و به اموال و دارایی‌های مالک تعدی صورت گیرد. علاوه بر این، انحراف از قرارداد هم تحقق غضب را ممکن می‌سازد. البته در این مورد می‌توان به نوع تقصیر نیز استناد کرد. برای مثال، اگر انحراف مزبور از درجه ناچیزی برخوردار باشد (تقصیر جزئی یا سبک)، این امکان وجود دارد که مسئولیت محض ایجاد نگردد. نکته دیگر، به عمدی بودن فعل بر می‌گردد؛ یعنی زمانی که منظور، صرفاً داشتن سوءنیت نیست. از این منظر می‌توان چنین گفت که محدود نمودن مصادیق مسئولیت محض، با در نظر داشتن ارتباط تام آن با تقصیر، ریشه در درک این حقیقت دارد که مسئولیت محض دارای مبنای مستقل نبوده و از مبنای اساسی مسئولیت در نظام کامن لا که همانا استناد خسارات به خواننده دعواست پیروی می‌کند (پارساپور و حسینی، ۱۳۹۹: ۱۵).

در سال ۱۳۳۹، متعاقب وضع قانون مدنی، از نقش مسئولیت بدون تقصیر کاسته شد و در کل به صورت یک استثنا بر تقصیر درآمد. تا قبل از این تاریخ، اتلاف و تسبیب موجود در قانون مدنی، از نظام حقوقی کشور یک نظام مختلط ساخته بودند.

باید یادآوری نمود که در مسئولیت بدون تقصیر، در صورت ارتکاب فعل زیان‌رسان، دو راه برای فرد زیان‌دیده برای جبران زبانی که به او وارد آمده است وجود دارد:

- اثبات انتساب زیان به شخصی که مرتکب فعل زیان‌آور شده است بدون اثبات تقصیر؛

- اثبات تقصیر به جهت مطالبه خسارت و آسیبی که از زیان وارده متحمل شده است.

اما اگر در هر دو شکل مسئولیت، یعنی مسئولیت مبتنی بر تقصیر و مسئولیت بدون تقصیر، با دو شخص مواجه باشیم، تقدم با مسئولیت مبتنی بر تقصیر است. در واقع برخلاف نظام حقوقی هند که علیرغم تأثیرپذیری از قانون انگلستان، موارد و مصادیق مسئولیت بدون تقصیر را بسط داده و از آنها در رویه‌های قضایی خود استفاده می‌کند، در نظام حقوقی ایران چنین گرایشی قوی نیست. در متون و منابع مرتبط با حقوق داخلی، به مسئولیت محض اشاره شده است و عمدتاً از آن با عنوان مسئولیت بدون تقصیر یاد کرده‌اند. در این نظریه، راه سلب مسئولیت، اثبات وجود فورس ماژور یا احکام مشابه آن است (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۲۰۵-۲۰۴).

این در حالی است که بنا به اعتقاد بعضی از شارحان، ما قادر به این نیستیم که یک اساس مستقل برای حقوق داخلی فرض بگیریم. در واقع با توجه به این که قابلیت استناد زیان وارده به فعل فرد زیان‌رسان را باید اساس مسئولیت مدنی محسوب نمود، بنابراین همین اصل در حقوق داخلی نیز مصداق خواهد داشت (پارساپور و حسینی، ۱۳۹۹: ۱۶).

با این حال، دو نقطه افتراق در این زمینه وجود دارد که باید به آنها اشاره شود:

- نقض قرارداد و روابط قراردادی در مسئولیت محض در نظام حقوقی هند و کامن‌لا

وجود دارد، در حالی که در ارتباط با حقوق داخلی ایران، تأثیر ناشی از نقض روابط در چارچوب قرارداد صرفاً منحصر به اثبات قابلیت استناد زیان به فعل فرد زیان‌رسان می‌باشد.

- برخلاف قانون هند، در حقوق داخلی ایران بین نقض جزئی و نقض اصلی و اساسی قرارداد، تمایزی وجود ندارد و هر دو مورد نامبرده، «به صرف تحقق تعدی یا تفریط حکم به تحقق غصب داده خواهد شد».

#### ۴- بازدارندگی اقتصادی در سایه مسئولیت مدنی

بازدارندگی اقتصادی در مسئولیت مدنی به این معناست که افراد و ادار و اجبار گردند تا هزینه‌های حوادث و نیز هزینه‌های پیشگیری از حوادث را از خلال فعالیت‌ها و اقدامات خود،

کاهش دهند. چنین امری با بازتاب هزینه‌های حوادث در بهای فعالیت‌ها و اقدامات اقتصادی به دست می‌آید (بادینی، ۱۳۸۴: ۳۶۸؛ اسکندری، ۱۳۹۴: ۱۱).

به عبارتی، در پرتو همین و اجبار، عامل زیان به پرداخت خسارت متأثر از عمل خویش، محتاط‌تر خواهد شد. امنیت، جان، مال، آبروی و حیثیت مردم که همه سرمایه یک شخص است بهتر حفظ خواهد شد. درست است که این نقش با بیمه و مسئولیت به جای دیگران به ویژه در جوامع مادی‌گرا و تابعان ایدئولوژی ماتریالیسم کم رنگ‌تر می‌شود، ولی به معنای اضمحلال این نقش نیست، چون به هر حال بیمه‌گران برای بیمه‌های بعدی هزینه بیشتری را بر دوش عاملان زیان قرار می‌دهند و مسئولیت اشخاص ثالث به جای آن عاملان نیز در نهایت مشکل عاملان ضرر را حل نمی‌کند، چون هر زمان احتمال مطالبه ضرر و زیان توسط شخص ثالث از عامل زیان وجود دارد. همه این امور در برخی از سیستم‌ها به منع تقصیر تعبیر می‌شود و در سیستم دیگر به عنوان نقض وظیفه محافظت و مراقبت و در زبان بسیاری از فقیهان به عنوان خروج از عرف و سیره عقلاء و عدوان به حقوق دیگران و اتلاف یا تسبیب مطرح می‌گردد. در مورد نحوه انتساب با توجه به عرف جوامع تقریباً همه سیستم‌ها به یک نتیجه واحد می‌رسند. اما در مورد نحوه و مقدار جبران خسارات که در سلوک و رفتار و آداب اجتماعی مؤثر است به یک نتیجه واحد نمی‌رسند چون سطح اقتصادی و فرهنگ جوامع با یکدیگر متفاوت است. آنچه اکثریت فقیهان در مورد تفاوت دیه زن و مرد گفته و متأسفانه قانون مجازات اسلامی نیز آن را پذیرفته است بر مبنای اساس مسئولیت مدنی که پرداخت خسارت است خللی وارد نمی‌کند، ولی حق را باید از دیدگاه عقلاء به اقلیت داد، چون به مصالح اجتماعی نزدیک‌تر است. مخالفت ایدئولوژی‌ها با بنای عقلا و مصالح اجتماعی تنها از اعتبار و اساس آن‌ها می‌کاهد. چیزی که انسان در نهایت چاره‌ای جز پذیرش آن ندارد و تأخیر در آن، جز لطمه به اساس و حیثیت ایدئولوژی مربوطه ثمره‌ای به بار نمی‌آورد، را باید با حکم عقل سلیم پذیرفت و بر اساس آن قانون‌گذاری نمود (حسینی، ۱۳۹۰: ۴۲).

پس یکی از وجوهی که به عنوان هدف مسئولیت مدنی ابراز شده تشبیه و مجازات خصوصی عامل فعل زیانبار توسط زیان‌دیده است، زیرا او با انجام فعل زیانبار به منافع مشروع زیان‌دیده تجاوز و تعدی نموده است و تحمیل مسئولیت بر او موجب می‌شود که اولاً و ثانیاً بد فعل زیانبار خود را تحمل نماید. ثانیاً تحمیل نتایج فعل زیانبار بر عامل آن موجب می‌شود که او احتیاط بیشتری نماید و از انجام مجدد چنین عملی اجتناب نماید، در حالی که اگر مسئولیت فعل زیانبار متوجه او نشود موجب جسارت او بر انجام فعل زیانبار می‌شود. طرفداران

این نظریه معتقدند: محکومیت عامل فعل زیانبار به جبران خسارت وارده، مانند محکومیت مجرم به پرداخت جزای نقدی است. هرچند از صاحبان حقوق اسلامی کسی به این وجه به عنوان هدف مسئولیت مدنی تصریح نکرده است، ولی می‌توان این وجه را از نظر کسانی که برای اثبات مشروعیت مسئولیت مدنی به ادله تعدی و مقابله به مثل مانند آیه ۴۰ سوره مبارکه شوری، مبنی بر اینکه پاداش بدی بدی مثل آن است یا آیه ۱۹۴ سوره مبارکه بقره مبنی بر اینکه اگر متعددی را عقوبت کردید به اندازه‌ای بر او تعدی و تجاوز کنید که آور بر شما تجاوز نموده است استناد کرده‌اند استنباط نمود. اگرچه صرف مسئول بودن اشخاص و اعمال مقررات مسئولیت مدنی موجب احتیاط بیشتر آنان می‌شود، اما این هدف مستقیم و اصلی مسئولیت مدنی نیست بلکه وجود مسئولیت مدنی مستلزم وجود احتیاط بیشتر اشخاص می‌شود. علاوه بر این تنبیه عامل فعل زیانبار یکی از اهداف اصلی مسئولیت کیفری است و در مسئولیت مدنی این وجه مورد نظر نیست (حسینی، ۱۳۹۰، ۴۳).

پس از راه‌های وصول به بازدارندگی اقتصادی، ایجاد مسئولیت بیشتر برای کسی است که از ریسک و خطرات فعالیت اقتصادی مورد نظر اطلاعات بیشتری دارد و در نتیجه قادر است با پرداخت هزینه کمتر، از بروز حوادث زیانبار در حوزه فعالیت اقتصادی مزبور جلوگیری نماید (حیدری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۸۷-۲۸۶). برای مثال می‌توان از رابطه بین تولیدکننده و مصرف‌کننده نام برد. در صورت وجود عیب و نقص در فلان کالای معامله‌شده که به مصرف‌کننده ضرر زده و او را به فردی زیان‌دیده بدل ساخته است، تولیدکننده یا عرضه‌کننده که زیان را وارد ساخته‌اند قطعاً علم و آگاهی به مراتب بیشتری نسبت به مناسبات بازار و نحوه معامله داشته‌اند. در نتیجه بر طبق مسئولیت مدنی (مسئولیت مدنی محض)، تکلیف اطلاع‌رسانی بر عهده تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان بوده تا از این طریق، هم به تولید مرغوب و هم به عرضه مطلوب کالای مورد نظر برای مصرف‌کننده نزدیک‌تر شوند.

زمانی که در مسئولیت مدنی به فرد زیان‌رسان (فاعل فعل زیانبار یا همان فرد مقصر) اشاره می‌شود، بازدارندگی به عنوان یک هدف مهم تجلی پیدا می‌کند؛ یعنی نقش مسئولیت فردی در جلوگیری از زیان دوباره در آینده، پررنگ و برجسته می‌شود. اینجاست که مسئولیت مدنی با برقراری صلح در جامعه در نظریه‌های قرارداد اجتماعی که توسط توماس هابز، جان لاک و ژان-ژاک روسو مطرح شده است، ارتباط برقرار می‌سازد؛ به این معنا که تمهیدات حقوقی و قضایی که ضمانت اجرای قانون به شمار می‌آیند باعث می‌شوند تا شهروندان، راه‌های غیرمدنی (انتقام، ستمگری و غیره) را که زیان‌بار هستند کنار گذاشته و در عوض تحت لوای

قانون و اقتدار قانونی که به حاکمیت آن تن داده‌اند، از تکرار حوادث و آسیب‌های زیان‌بار آینده در دو سطح فردی و جمعی، جلوگیری نمایند (Linden, 1982: 14).

بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که «مسئولیت مدنی بیشتر نظامی بازدارنده و راهکاری برای کنترل رفتار در آینده است تا سازوکاری برای جبران خسارت» (اسکندری، ۱۳۹۴: ۹).

با وجود این، نباید انتقاداتی را که به قدرت بازدارندگی مسئولیت مدنی وارد شده است از یاد برد. اگر بازدارندگی را باید واقعاً هدف اصلی مسئولیت مدنی بدانیم، پس فاعل فعل زیان‌رسان باید به اندازه تقصیر خود به جبران زیان محکوم شود؛ در حالی که با فرض یک تقصیر جزئی، باز هم اشخاص زیان‌رسان هستند که باید کل زیان وارده را جبران نمایند و در واقع محکوم به این کار هستند؛ در مسئولیت مدنی محض و مسئولیت مدنی نیابتی، میزان تاثیرگذاری قوه بازدارندگی یکسان نیست؛ یعنی در مسئولیت محض، هر اندازه که فرد محتاط باشد، اما باز هم مسئولیت با اوست. در مسئولیت مدنی نیابتی هم حتی اگر تقصیر از آن زبردستان باشد، باز هم این کارفرماست که مسئول شناخته می‌شود. در صورت زیان رسیدن، برای دولت‌ها امکان مداخله و طرح دعوی وجود ندارد (بادینی، ۱۳۸۴: ۳۶۱).

زمانی که قاضی حکم به جبران زیان می‌دهد، دو هدف را جستجو می‌کند:

- بازدارندگی شخصی برای فاعل زیان‌رسان؛

- توجه افراد جامعه را به اهمیت موضوع معطوف ساختن و به اصطلاح درس عبرتی برای بقیه بودن.

مورد دوم بالاخص در باب کسانی صادق‌تر است که به اقتضای حرفه یا موقعیت اقتصادی - اجتماعی خود، بیشتر از سایر افراد جامعه قادرند به دیگران زیان برسانند و در نتیجه احتمال وجود اقامه دعوا علیه آنها بیشتر است. برای مثال، اگر در یک واحد اطلاع‌رسانی با قصور در مخابره به موقع یا صحیح در باب فلام محصول یا فرآورده تولیدی روبرو شویم، این امکان وجود دارد که بازار تولید فرآورده و محصول مورد نظر از دست برود؛ امری که به حضور رقبا، افت کیفیت تولیدات و نتایج نامطلوب دیگری هم منجر خواهد شد.

بنابراین بازدارندگی اقتصادی، توجه افراد جامعه را که از اصناف، حرف و طبقات مختلف و متعددی تشکیل شده‌اند، به اهمیت موضوع جلب کرده و بدین ترتیب از میزان تقصیرات و خطاها می‌کاهد یا آنها را به حداقل می‌رساند. ضمناً نباید فراموش کرد که بازدارندگی مسئولیت مدنی معطوف به افعال زیان‌بار حتی می‌تواند درون‌گروهی باشد؛ برای مثال، بروز

خطا و تقصیر در یک گروه حرفه‌ای مانند اطباء می‌تواند تمام اعضای آن گروه و صنف را از خود متأثر سازد.

به اختصار باید گفت که بازدارندگی مسئولیت مدنی در ارتباط با افراد زیان‌رسان بالقوه و نیز زیان‌دیدگان بالقوه، می‌تواند به دو طریق محقق شود:

عدم ارتکاب فعل زیان‌بار، پرهیز از اقدامات و فعالیت‌های زیان‌بار یا به حداقل رساندن آنها. طبیعی است که هر چه دامنه فعالیت‌های زیان‌بار کمتر باشد، پیامدها و آثار سوء ناشی از آن هم کمتر خواهد بود؛

احتیاط، مراقبت، کنترل و دوراندیشی در فعالیت‌ها و اقدامات خاص. با توسل به احتیاط و دوراندیشی می‌توان ضریب خطا و زیان را کاهش داد و در نتیجه مسئولیت مدنی را تضمین نمود (باریکلو، ۱۳۸۷: ۴۲).

### نتیجه‌گیری

در نظام‌های حقوقی مسئولیت مدنی در عمل، هم در ارتباط با زیان‌دیده هم در ارتباط با واردکننده زیان و هم در ارتباط با جامعه هدف‌ها و کارکردهای خاص دارد. جبران خسارت زیان‌دیده و تسلی خاطر، وی مجازات واردکننده زیان و بازداشتن وی از ارتکاب مجدد فعل، زیان‌بار بازداشتن سایر واردکنندگان زیان بالقوه از در پیش گرفتن رفتار زیان‌بار درونی کردن هزینه‌های اقتصادی حوادث و کاهش این هزینه‌ها از طریق بازدارندگی اقتصادی و توزیع ضرر از آن جمله است. هیچ‌یک از این هدف‌ها به تنهایی نمی‌تواند توجیه‌کننده مسئولیت مدنی باشد. اما با اطمینان می‌توان گفت که در طول تاریخ تحول این شاخه از حقوق به دلیل شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی و گرایش‌های فلسفی روز یکی از آنها از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. سازوکارهای دیگر مانند بیمه خصوصی طرح‌های اجتماعی جبران خسارت، ضمانت اجراهای کیفری مانند جریمه‌های غیرقابل بیمه، مقررات انتظامی و نظارتی، وضع مالیات و صندوق‌های جبران خسارت هر یک به نحوی حتی به گونه‌ای کارا تر می‌تواند هدف‌هایی را که مسئولیت مدنی در بازدارندگی دنبال می‌کند، برآورده سازد. امروزه در بسیاری از زمینه‌ها مانند حوادث رانندگی حوادث ناشی از کار مسئولیت ناشی از عیب تولید و به طور کلی در ارتباط با خسارت بدنی مسئولیت مدنی را جدای از سازوکارهای یاد شده نمی‌توان مورد مطالعه و ارزیابی قرار داد.

در این میان هدف‌های اقتصادی مسئولیت مدنی که در پی کاهش هزینه‌های حوادث و رسیدن به کارایی اقتصادی و در نتیجه بازدارندگی اقتصادی است، از گیرایی خاصی برخوردار



است و روز به روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. تحلیل مسئولیت مدنی بر مبنای هزینه‌های حوادث و برنامه ریزی برای آن در چارچوب سیاست‌های کلان اقتصادی، مسئله‌ای نیست که به راحتی بتوان از کنار آن گذشت. حفظ مسئولیت مبتنی بر تقصیر، به دلیل اثر بازدارنده آن ضروری است. با وجود این، در کنار آن گسترش نظام‌های مبتنی بر مسئولیت محض مانند مسئولیت محض شرکت‌ها و مؤسسات و مسئولیت محض ناشی از اشیا و فعالیت‌های خطرناک با هدف فراهم کردن پوشش بیمه خصوصی هدف توزیع (ضرر و درونی کردن هزینه‌های اقتصادی حوادث، رفاه اجتماعی و تخصیص کارای منابع را در پی خواهد داشت.

## منابع و مآخذ:

- اسکندری، حسین (۱۳۹۴)، «مبانی رابطه سببیت در مسئولیت مدنی»، **پایان نامه** دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- بادینی، حسن (۱۳۸۳)، «مبانی فلسفی نگرش اقتصادی به حقوق»، **مجله دانشکده حقوق** دانشگاه تهران، دوره ۶۲، شماره ۱.
- بادینی، حسن (۱۳۸۴)، **فلسفه مسئولیت مدنی**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بادینی، حسن و همکاران (۱۳۹۱)، «مسئولیت محض، مبنای و مصادیق، **مجله مطالعات حقوقی**، دوره ۳، شماره ۱.
- باریکلو، علیرضا (۱۳۸۷)، مسئولیت مدنی، تهران: میزان.
- پارساپور، محمد باقر؛ حسینی، سید احمد (۱۳۹۹)، «مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی در کام لا و حقوق ایران با توجه ویژه به مسئولیت امین»، **نشریه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**، سال اول، شماره ۲۳.
- پوراسماعیلی، علیرضا (۱۳۹۲)، «مطالعه تطبیقی تفسیر زیان دایده بر مسئولیت مدنی در حقوق اسلامی و کامن لا»، **فقه و حقوق اسلامی**، سال چهارم، شماره ۷.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۳)، **تاریخ حقوق ایران**، تهران: گنج دانش.
- حیدری، قاسم؛ عاقری، پرویز؛ آل-تویبه، علی (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و آمریکا»، **دوفصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل**، ۲۶۳-۲۹۲.
- حسینی‌زاده، حسینعلی (۱۳۷۰)، مسئولیت مدنی، تهران: مجد.
- خادم رضوی، قاسم و نوعی، الیاس (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی مبانی مسئولیت مبتنی بر تقصیر و بدون تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی ایران و انگلستان»، **آموزه‌های حقوقی گروا**، سال اول، شماره ۱.
- سعادت مصطفوی، سید مصطفی و پاکباز، محمدجواد (۱۳۹۶)، «نگرش جدید به مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و فقه شاطبی، **آموزه‌های حقوقی گروا**، سال سوم، شماره ۴.
- صفاپور، سید حسن و رحیمی، حبیب الله (۱۳۹۸)، **مسئولیت مدنی: الزامات خارج از قرارداد**، تهران: سمت.
- غزالی، ابوجامد (۱۴۱۰ هـ)، **المستصفی فی علم الاصول**، بغداد: المثنی.
- کانوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، **وقایع حقوقی**، تهران: دادگستر.
- کانوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، «تحول مفهوم تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی** دانشگاه تهران، دوره سیو نهم، شماره ۱.
- کانوزیان، ناصر (۱۳۹۵)، **فلسفه حقوق**، تهران: شهردانش.
- موسائیان، ماندنی (۱۳۶۶)، «تضمین در حقوق تجارت (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، آمریکا و انگلیس)»، **رساله دکتری حقوق خصوصی**، دانشگاه تربیت مدرس.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۸۹)، **مسئولیت مدنی**، تهران: میزان.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۳)، «مسئولیت مدنی اشخاص: مراب نسبت به اعمال افراد تحت مراقبت و لزوم توسعه آن با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه»، **مجله حقوقی دادگستری**، دوره ۷۸، شماره ۸۵-.
- Cane, Peter, (2007), "The Anatomy of Tort Law", Hart Publishing, Oxford.
- Clarke, A. Kohler, p. (2005), **Property Law Commentary and Materials**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Coleman, Jules L., (2002), "Risks and Wrongs", **Cambridge studies in philosophy and law**, Cambridge University Press, First edition.
- Garner. Brian A. (2004), **Black's Law Dictionary**.
- Linden, Allan (1982), **Canadian Tort Law**, Butterworth.
- Miller, R. L. and Cross, F. B. (2001), **The Legal and E-Commerce Environment Today: Business in the Ethical, Regulatory, and International Setting**, South Western Publishing Company.
- On, Alexandru-Daniel (2013), "Prevention and the Pillars of a Dynamic Theory of Civil Liability: A Comparative Study on Preventive Remedies", **Research Papers**, 1, Spring 2013.
- Perry, Stephen, (2001), "Responsibility for outcomes, Risk and the Law of Torts", In **Philosophy and the Law of Torts**, Edited by Gerald J. Postema, Cambridge Studies in Philosophy and Law, Cambridge University Press, First edition.
- Sugarman, Stephen D. (2010), "Doing Away with Personal Injury Law: New Compensation Mechanisms for Victims, Consumers and Business", Quorum Books, First edition.
- Weinrib, J. Ernest, (2001), "Legal formalism" In a Companion to Philosophy of Law and Legal theory, Edited by Dennis Patterson, Blackwell Publishers.